

سیر تاریخی کتابخانه‌ها در ایران باستان

• دکتر فاروق صفی‌زاده

و بنابر اظهارات مسعودی، رای هند نامه‌ای را که برای کسرا انوشیروان ساسانی فرستاد، بر پوست درختی بود.^۵ از آن جا که در بلخ پوست گاو وسیله بهتر نوشتن افکار و اندیشه تشخیص داده شده بود، در نبشتن آوستا از آن استفاده به عمل آمد. از حفريات اکثر شهرها و مناطق تاریخی گستره ایران بزرگ، نتایج مطلوب به دست آمده و قسمت اعظم مفاخر تاریخی ما از زیر خاک توده‌های اعصار و قرون، چهره‌اش نمودار گردیده و تاریخ مستند ما را مستندتر کرده است. از جمله آنها آثار پر ارجی که به دست آمد، یکی هم کشف یک تعداد اوراق کتبی از بامیان است که قدمت کتاب‌نویسی را در آریانای پیش از اسلام نشان می‌دهد.

این کتاب شامل یک تعداد اوراق نوشته شده بر پوست درخت است که در سال ۱۹۳۰م. از حصه شرقی هیکل ۳۵ متری بودا به همت مسیو هاکن باستان‌شناس فرانسوی کشف شد و مسیوسیلون لوی (Mesio Silon) در سال ۱۹۳۲م. آن را در شماره مارچ ژورنال از یاتیک به نشر رسانید.^۶

بنا بر عقیده موسیو سیلون لوی قدیم‌ترین آثار کشف شده مزبور محصول قرن‌های سوم و چهارم و جدیدترین آنها متعلق به سده‌های هفتم و هشتم مسیحی می‌باشد و عروج و زوال بوداییان بامیان نیز با همین تاریخ‌ها مطابقت دارد.^۷

باستان‌شناس مذکور خاطر نشان می‌سازد که این کتاب‌ها، یا در خود بامیان، بنابر ضرورتی که احساس می‌شده است، نبشته شده و یا از کتابخانه‌های دیگر ایران به این کتابخانه انتقال یافته‌اند.

مراکز فرهنگی از پدیده‌هایی هستند که بنابر اقتضای تمدن و ایجاد حیات پر جنب و جوش شهری ایجاد می‌شوند. کتابخانه‌ها که خود کانون‌های حفظ و نشر فرهنگ و دانش به شمار می‌روند، در صف اول نیازمندی‌ها قرار دارند و هر جامعه دانش‌پسند و دانش‌جویه تأسیس کتابخانه در حد مقدور، احساس ضرورت مبرم را می‌نماید. بنابر سنت فرهنگی جامعه آریایی در بلخ، بعد از آنکه اساس شهری را ریختند که اندکی بعد نیز ارزش جهانی پیدا کرد، درصدد تأسیس کتابخانه‌ای برآمدند.

با آنکه روایات ملی انگیزه تأسیس کتابخانه را ناشی از مذهب و

کتاب‌نویسی در آریانا

یکی از پراچ‌ترین ره‌آورد تاریخ پرتلاش جامعه انسانی، کتاب و کتاب‌نویسی است. در آریانا (سرزمین ایران ویج) بر پایه یافته‌های باستان‌شناسی گذشته این پدیده سخت چشم‌گیر و تابناک است. گرچه آریایی‌ها، تا آنجا که از دست‌آوردهای باستان‌شناسی در نقاط متمدن جهان باستان روشن گردیده، معلوم شده است که نسبت به ملل متمدن حوزه‌های نیل و میان رودان (بین‌النهرین) و حتی باشندگان بین دریای سی‌کیانگ و نیسی کیانگ جین، بیش‌تر در این راه گام برداشته‌اند، لیکن ره‌آورد فکری‌شان بدون مسامحه و اغماض استوار و متین است. به شهادت تاریخ، متون آوستا در دوازده‌هزار پوست گاو به آب طلا نبشته شد. طبری در این باره می‌نویسد: «گشتاسب دبیران را بنشانند تا آن چه زردشت می‌گفت، که از آسمان به من وحی آمده است، می‌نشتند به آب زر، پوست‌های گاو را پیراست و از آن قرطاس کرد، مصحف‌ها ساخت. و این سخنان راز ردشت که می‌گفت از آسمان به من وحی آمده، در آن مصحف‌ها بفرمود تا ثبت کردند و دوازده هزار گاو را پوست بپایخته بود و پیراسته و آن همه پوست‌ها نبشته از سخنان او به آب زر.»^۱

ثعالبی، عین روایت طبری را درباره نبشتن، متن آوستا بر پوست دوازده هزار گاو تأیید می‌کند.^۲

مسعودی تعداد گاوها را به هجده هزار بالا می‌برد، اما عقیده دارد که چون کتاب زردشت را کسی نیافت، او تفسیری بر آن در هجده هزار مجلد به طلا نوشت.^۳

این روایات همه مبین آن است که در نهاد دوره اساطیری تاریخ ما حقایق نهفته است که می‌توان در اثر کاوش‌های ژرف‌گرانه برارزش‌های آن پی‌برد که آن نبشتن کتاب است. در این شکی نیست که پوست وسیله‌ای برای نبشتن بوده است و اینکه واقعاً در آریانا از این وسیله استفاده می‌کرده‌اند.

اسناد و مدارک مورد اعتماد بیان‌گر این حقیقت‌اند که آریایی‌ها در حوزه‌های فعالیت خویش با استفاده از مواد مساعد ما حول خود اوراقی را می‌نوشتند. ابوریحان بیرونی اظهار می‌دارد که مردمان جنوب هند، نتایج افکار و اندیشه‌های خود را در برگ‌های ضخیم و پهنی ثبت می‌کردند.^۴

نگاره‌ای تصویری از کتابخانه
عظیم دانشگاه گندی شاپور
در سال ۵۵۰ میلادی با ۴۰۰
هزار جلد کتاب



روایات تاریخی ما بیان‌گر این حقیقت‌اند که نخستین کتابخانه‌ها در آریانای باستان، معابد هستند. نسخه‌ای از آوستا، نوشته شده در قرن هشت مسیحی از سمرقند به دست آمده و در آن تحریر یافته است که: «زردشت به امر ویشتاسپ ۱۲ هزار نسخه راجع به دین خود، روی پارچه‌های طلا نوشت و آن را در خزانه آتشکده ورهران نهاد.» احمدعلی کهزاد عقیده دارد که این خزانه همان «کتابخانه شایگان» است.^{۱۱} در فقرة هشتم و نهم این آوستای دستیاب شده در سمرقند که به نام «شاتدوکی‌ها» خوانده می‌شود، چنین آمده است: «سپندات پسر ویشتاسپ در یخل با میگ شهرنو ازک را بنا نهاد و در آنجا آتشکده ورهران را بنا کرد.»^{۱۲} و هم چنین بنا بر تصریح بئندهشن، در فصل ۱۷ باید اظهار نماییم که گشتاسپ‌نامه خود را از این موضوع تذکر داده است:

نخست آتش مهر بر زین نهاد

به کشور نگر تا چه آیین نهاد

گرچه مؤید ثابتی، بنای این آتشکده را در قریه برزنون در دامنه کوه ریوند قرار می‌دهد، لیکن این احتمال مبنی بر حقایق تاریخی نیست. بنا بر ایضاح بئندهشن، آتشکده برزین مهر سومین آتشکده‌ای بود که بر فراز کوه ای ونگتا در خراسان قرار داشت.^{۱۳} بعد از معابد، جای دیگری که قابلیت حفظ کتاب و تأسیس کتابخانه را داشت، کهن دژها بود. نظر به گفته یاقوت حموی، کهن دژها قلعه‌های باستانی در وسط شهرها بودند.^{۱۴} اعراب این دژهای مستحکم را به نام «قهندز» تعریف کردند و ممکن است نام شهر «قندز» نیز از همان قلعه باستانی که در جوار شهر موجوده ویرانه آن قرار دارد، گرفته شده باشد.

رسمیت آن در بلخ می‌داند، لیکن درک شرایط و ارزش‌های زمان درقبال رشد حیات شهری قوت منطقی‌تر و علمی‌تری نسبت به روایات ملی پیدا می‌کند.

مورخان و محققان همه در صحت این خبر متفق‌اند که زردشت در بلخ به تبلیغ و انتشار کیش خود دست یازید و مذهب خود را به جامعه آریایی تقدیم کرد، قبول گشتاسپ، شاه آریایی، آیین مزدایی را سبب گردید که کیش مزبور دامنه وسیع‌تری پیدا کند.

گشتاسپ دبیران را گرد آورد و امر نوشتن آوستا را بر پوست دوازده هزار گاو داد: «آنگاه گشتاسپ این کتاب را اندر گنج‌خانه خویش بنهاد، خانه از سنگ و مؤکلان را بر آن گماشت و مردمان عامه را نسبت آن نداد الا خواص را و امروز به دست همه مغان اندر نیست و آن کسان که دارند هم تمام ندارند.»^{۱۵}

از گفته بلعمی روشن می‌گردد که کتاب آوستا را در گنج‌خانه نگهداری می‌کردند که این گنج‌خانه را می‌توان کتابخانه نامید. کتابخانه‌ای که فقط صاحبان دانش مزدایی (مغان) از آن بهره می‌اندوختند. قول ثعالبی نیز مؤید نظر طبری است. او نیز به حفظ کردن آوستا در جای محفوظی اشاره می‌کند.^{۱۶} به قول ابن بلخی؛ وشتاسف کتاب آوستا را در کوه نفشست ماند.^{۱۷}

از فحوای همه مورخان و نحوه بیان‌شان پیداست که گشتاسپ بعد از پذیرفتن دین بهی، تلاش مزیدی برای انتشار و گسترش آن پیدا کرد. آتشکده‌ها ساخت و نسخ آوستا را برای استفاده مزدپرستان گذاشت تا در پرتو آتش شعله‌دار از مواد انباشته شده در کتاب‌ها بهره‌مند شوند.

۱۲. **کده همار دبیره:** الفبای ریاضیات.
۱۳. **گنج همار دبیره:** الفبای گنج‌ها و گنجینه‌ها.
۱۴. **آهر همار دبیره:** نویسه و الفبای آخورها و ستورگه‌ها.
۱۵. **آگران همار دبیره:** الفبای شمارش و ریاضیات آتشکده‌ها.
۱۶. **روان‌گان هماره دبیره:** نویسه و الفبای روانگانه‌ها و وابسته‌ها.^{۱۵}
- اختراع خط و الفبا در رشد و بالندگی تمدن بشری و بسط و گسترش آن، اثر مثبت و پرارزشی را از خود به جا گذاشت. ملت‌هایی که از این موهبت تاریخ یعنی اختراع خط برخوردار شدند، توانستند اسنادی در خور پذیرش محققان دربارهٔ دیرپای و باستانی بودن فرهنگ و تمدن خویش برای نسل‌های آینده به جا بگذارند.
- به عقیدهٔ پژوهندگان ژرف‌نگر جهان ما، گسترش خط، محصول تلاش‌های بازرگانی اقوام آریایی فنیقی است. فنیقی‌ها قومی آریایی دریانورد و بازرگان بودند که مدتی تجارت بحیرهٔ مدیترانه را در دست داشتند. آنها حدود چند هزار سال قبل از میلاد، از باشندگان سواحل شرقی بحیرهٔ روم بودند و فعالانه رفت‌وآمد دریایی را در بالای بحیرهٔ روم ادامه می‌دادند. آنها در همان اوان، برای ثبت اسناد بازرگانی و تنظیم دفاتر تجاری به فرا چنگ آوردن خط و به کار بردن آن در امور بازرگانی، احساس نیازمندی می‌کردند.
- از آن رو با استفاده از خطوط تصویری قبلی، الفبای مشتمل بر ۲۲ حرف را تشکیل دادند و همین ۲۲ حرف نه تنها پایه و اساس خط آریایی فنیقی را بنا نهاد، بلکه در سرنوشت خط و الفبای ملل دیگر نیز اثر پرارچی به جای گذاشت و در روند تکامل فرهنگ و تمدن بشری مقام شامخی را برای خود احراز کرد.^{۱۶}
- راوندی می‌نویسد: فنیقیان ضمن فعالیت‌های تجاری حروف‌هجا را که تمام قبایل آریایی در ایجاد و تکامل آن دست داشتند، به یونانیان و سایر ملل منتقل نمودند؛^{۱۷} و چون فعالیت‌های بازرگانی بعدها نیز در انتقال خط از یک حوزه به حوزهٔ دیگر مؤثر واقع شد، با درک همین موضوع، ویل دورانث مورخ شهیر معاصر، این عقیده را ابراز می‌دارد: خط نویسی محصول و نتیجهٔ فعالیت‌های تجاری است.^{۱۸}
- آن گونه که ذکر شد، خط و الفبای فنیقی از دیدگاه کلیهٔ مورخین و پژوهندگان باستان و کاوش‌گران آثار کهن، پایه و اساس خطوط جهان می‌باشد و فنیقی‌ها، از سومریان آریایی، که قدیم‌ترین ملت متمدن درجهان هستند آموخته بودند و همین آموزش تا یونان باستان (مستعمرهٔ ایران) و آریانای کهن ادامه پیدا کرد.^{۱۹}
- نتیجهٔ تحقیق محققان می‌رساند که در ایران باستان خط میخی رایج بوده است. این خط به وسیلهٔ سومریان و بابلی‌های آریایی ابداع شده بود.^{۲۰}
- مورخان رایج بودن دو نوع خط را به نام‌های برهمنی (مادی) که از چپ به راست نوشته می‌شد و خروهستی که از راست به چپ نوشته می‌شد، نخستین خط‌های جهان در ایران باستان می‌دانند. خط آرنی یا آریایی که به غلط به خط آرامی! مشهور شده نیز از خطوط قدیمی و باستانی ایران می‌باشد.^{۲۱}
- خط آرنی از خطوطی است که مبنی بر خط سومری و فنیقی‌اند. این خط که مبنای خط پهلوی شمرده می‌شود، مدت‌ها در سرزمین‌های

بنابر قول ابن ندیم که به استناد گفتهٔ ابو معشر بلخی در کتاب اختلاف الزیجات راجع به کتابخانه‌های کهن دژ اظهار می‌دارد؛ آرنی‌ها برای حفظ آثار و کتب از آفات طبیعی و حوادث اجتماعی، به وسایلی متوسل می‌شدند که توان مقاومت را در برابر رویدادهای متذکره دارا می‌بود. روی همین اصل در آثار کتبی خود بیشتر پوست درخت خدنگ را که به نام توز یاد می‌شد، به کار می‌بردند؛ زیرا این پوست‌ها در برابر عفونت و پوسیدگی مقاومت داشته به زودی فاسد نمی‌شدند. بعدها ملل هند و چین این شیوه را از آرنی‌ها گرفتند و در نبشته‌های خود از این پوست‌ها استفاده کردند. آنگاه که آرنی‌ها آثار خود را بر اوراق مطمئن نوشتند، درصدد پیدا کردن محل قابل اطمینانی که آن آثار را به خوبی حفظ نماید برآمدند تا مدارک و اسناد تهیه شدهٔ علمی‌شان برای مستفید شدن آیندگان، از گزند روزگار مصون و سالم ماند. از آن رو ساختمان‌های کهن دژ را مناسب و مطلوب یافتند.^{۱۵}

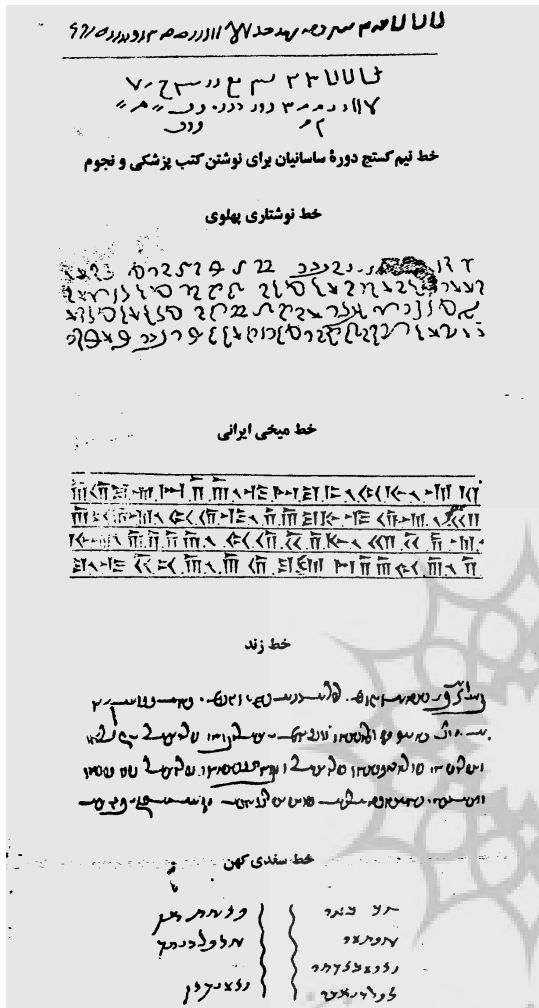
قول ابن ندیم شاهد علاقه‌مندی آرنی‌ها در زمینهٔ حفظ و نشر دانش و کتاب و داشتن کتابخانه‌ها می‌باشد؛ زیرا کهن دژها اصلاً محل شهر و جای اقامت اهالی شهرنشین و شهرهای قرون وسطایی عموماً در آغاز دارای شهرستان بودند که در هر دو بخش متذکره باشندگان شهر بنا بر موقف اجتماعی‌شان زندگی می‌کردند. بعدها انکشاف شهرها سبب گردید که هر دو بخش شهر توسعه یابند.

خط و سیر نفوذ آن در آریانا (ایران باستان)

در این هیچ شکی نیست که پیدایش خط در جهان از ایران باستان بوده است. برای نمونه ما در ایران باستان ۱۶ نوع خط و الفبا داشته‌ایم که هر کدام از این خطوط و الفباها برای امر خاصی به کار می‌رفته است.

خط و الفباهای ایران باستان

۱. **دین دبیره:** ۴۸ حرف دارد.
۲. **وش دبیره:** ۳۶۵ حرف داشته که همهٔ آواها و آهنگ‌های طبیعت را با این خط می‌نوشتند و بعدها از روی همین خط، هفت نت موسیقی را ایرانیان ابداع کردند.
۳. **گشته دبیره:** ۲۳ حرف که با آن پیمان‌نامه‌ها و فرمان‌ها را می‌نوشتند. سکه‌ها نیز با این حروف نوشته می‌شد.
۴. **نیم گشته دبیره:** ۲۸ حرف داشته و دانش فلسفه و پزشکی را با این الفبا می‌نوشتند.
۵. **شاه دبیره:** با این الفبا پادشاهان مسایل خود را می‌نوشتند. این الفبا برای حفظ اسرار کشور و فقط مخصوص پادشاهان بود.
۶. **آم دبیره:** آم از ریشهٔ هام یا همه و همان است که در تازی به عام معرب شده است. این الفبا مخصوص عامهٔ مردم بود و اصلاً نقطه نداشت.
۷. **راز دبیره:** دارای ۴۰ حرف که پادشاهان اسرار خود را برای مردم کشورها دیگر می‌نوشتند.
۸. **راس دبیره:** ۲۴ حرف که فلسفه و منطق را با آن می‌نوشتند.
۹. **فرورده دبیره:** الفبای ویژهٔ نامه‌های مخصوص و کتابت.
۱۰. **داد دبیره:** ویژهٔ فرمان‌ها و قضاوت.
۱۱. **شهر همار دبیره:** الفبای گنجینه‌دار کشور.



نمونه‌هایی از کتابت در ایران باستان

می‌کوشند، بلخ را مرکز پخش و نشر فرهنگ و اندیشه آریایی‌ها می‌دانند.^{۳۰}

از خلال پژوهشی که احمد علی کهزاد در زمینه تاریخ قدیم این سرزمین به عمل آورده، چنین برمی‌آید که آریایی‌ها پنج هزار سال قبل از میلاد وارد بلخ شدند و مدت سه هزار سال در آنجا اقامت کردند. سرانجام تراکم و تعدد نفوس تنگی جای سبب گردید که آنها از باختر در شمال و جنوب هندوکش پراکنده شدند.^{۳۱}

محققانی که درباره متون آوستایی تحقیق می‌کنند، بلخ را مهدپرورش فرهنگ آوستا می‌شناسند و بازتولد، آریانیای شرقی را منشأ کیش مزدایی و فرهنگ آوستایی می‌دانند.^{۳۲}

آغاز گام‌های فرهنگی

اردشیر بابکان پس از تاج‌گذاری یکی از موبدان برجسته زمان به نام موبد تنسر^{۳۳} را به سمت موبد موبدان برگزید و او را به دبیری خود^{۳۴} گماشت و با اختیار تام مأمور گردآوری آوستاهای پراکنده کرد.

آرین‌نشین مورد استعمال قرار داشته و در ثبت اسناد کتبی از آن استفاده می‌شده است. خط آرائی یا آریایی ۲۲ حرف دارد.^{۳۲}

خط میخی یا خط سه گوش (پیکانی) از خطوط قدیمی آریایی است که بیش از پنج هزار سال پیش از میلاد، سومریان آریایی آن را اختراع کردند. مادی‌ها این خط را صورت الفبایی دادند.^{۳۳} خط میخی سومری ۸۰۰ علامت و خط انزانی آریایی ۳۰۰۰ علامت دارد.

کتیبه‌های زیادی نیز به خط براهمنی (مادی) به جای مانده است. این خط مدت هفت قرن متوالی در مناطقی از خراسان بزرگ کاربرد داشته است.^{۳۴}

خط خروشته‌ای از خطوط آریایی باستان، در مناطق مختلف خراسان بزرگ از قرن سوم قبل از میلاد مسیح تا سده پنجم میلادی کاربرد داشته است و زبان‌های سنسکریت و پراکریت عموماً با این رسم‌الخط نوشته می‌شد. بر پوست درخت نوشته‌های زیادی با این خط در خراسان بزرگ کشف شده است. ۷۴ کتیبه به زبان خروشته‌ای تاکنون به دست آمده است.^{۳۵}

چندین کتیبه نیز به خط و زبان تخاری آریایی در گستره ایران بزرگ کشف شده است. رسم‌الخط کهن هندی نیز از این خط گرفته شده است.^{۳۶}

در کل، خط آریایی از نظر اقسام به چهار قسم تقسیم شده است:

۱. خط نگاری یا نقشی: مثل خط هیروگلیف آریایی.
۲. خط نموداری یا علامتی: در این نوع خط برای هر اسم و فعل یا اسم معنی و اسم ذات، علامت خاصی تعیین کرده‌اند.
۳. خط آهنگی یا صوتی: در این گونه خط هر حرف یا شکل نشانه یکی از صوتهاست. در زبان صاحبان این خطوط نیز غالباً لغات با اصوات و مقاطعات جداجدا ساخته شده است و هر صورتی در مقصود گوینده، تأثیر خاصی دارد؛ مانند خط چین امروز که مخلوطی از خط صوتی و علامتی است.

۴. خط الفبایی: در این نوع خط، هر حرف نماینده یک مخرج است و آن مخرج گاهی حروف مصوت و گاهی غیر مصوت را ارائه می‌دهد. اقسام چهارگانه بالا در جریان تاریخ آریایی، سیر تکامل خط رادر روال فرهنگ بشری روشن می‌سازند.^{۳۷}

کتاب‌نویسی در ایران باستان

یکی از پراچ‌ترین ره‌آورد تاریخ پرتلاش جامعه انسانی، کتاب و کتاب‌نویسی است و در ایران باستان، این پدیده سخت چشم‌گیر و تابناک است.

اسناد و مدارک مورد اعتماد، بیان‌گر این حقیقت‌اند که آریایی‌ها در حوزه فعالیت خویش، با استفاده از مواد مساعد ماحول خود، اوراقی را می‌نوشتند. ابوریحان بیرونی اظهار می‌دارد که مردمان جنوب ایران نتایج افکار و اندیشه‌های خود را بر برگ‌های ضخیم و پهنی ثبت می‌کردند.^{۳۸} بنابر اظهارات مسعودی رای‌ه‌اند، نامه‌ای را که برای کسری انوشیروان ساسانی فرستاد، بر پوست درختی بود.^{۳۹} کسانی که درباره نشان دادن چهره ادوار باستانی تاریخ شرق



۱ مرزهای پهناور ایران «ایران شهر» و شهر و دانشگاه عظیم گندی شاپور در زمان خسرو انوشیروان (۵۵۰ میلادی)

برخی از این آموزشگاه‌های علمی، نه فقط مربوط به آموزش امور دینی بود، بلکه شماری از آنها مربوط به فلسفه و حکمت و عرفان و نجوم از دانش‌های روز جهان متأثر می‌شدند. هم چنین در این گام‌های فرهنگی، برخی از دانشمندان ملل دیگر نیز شرکت داشتند و روی هم رفته یک نهضت مقدس دانشی به وجود آمده بود.

یکی از بزرگ‌ترین بهره‌های این نهضت، گردآوری کتاب‌های دینی، فلسفی، نجومی، پزشکی، تاریخی به زبان‌های پارسی باستان و یا به زبان پهلوی اشکانی و شماری از رساله‌ها به زبان سنسکریت بودند که اکثر آنها به زبان پهلوی ساسانی در آمد.

علاوه بر اینها، اردشیر بابکان کاروان‌هایی را به میان رودان، هندوچین و حتی یونان فرستاد تا از نسک‌های ایرانی و یا از دیگر ملل جهان جمع‌آوری و به تیسپون حمل کنند.^{۳۴}

سه مکتب دینی و اثر آنها بر جنبش فرهنگی علمی در ایران باستان در زمان شاپور یکم ساسانی

شاپور یکم ساسانی مانند پدر خود اردشیر بابکان دین رسمی کشور پهناور ایران را دین زردشتی می‌دانست، ولی او به اعتقادات شخصی و ادیان غیر زردشتی نیز احترام می‌گذاشت و به‌گونه‌ای به آنها آزادی عمل می‌داد.

در اینجا از سر مکتب دینی که هر یک به تبلیغ دین و مرام خود مشغول بودند، نام برده و به طور کوتاه درباره آن‌ها بحث می‌شود که این خود دلیل آزادی مذهب در زمان شاپور یکم ساسانی در کشور پهناور ایران بوده است.

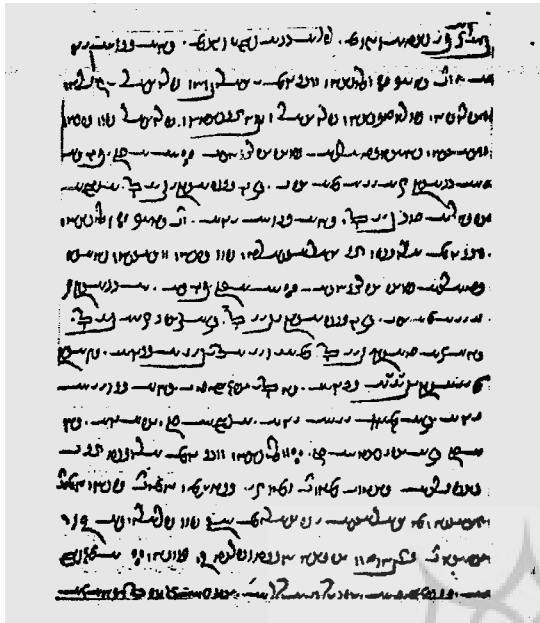
مکتب کرتیر: شاپور یکم برای دسترسی به فرهنگ اصیل دین زردشتی، از گوشه و کنار ایران موبدان را به دربار خود فراخواند. یکی از آنان کرتیر یا کارتیر^{۳۵} موبد موبدان تهرستان بود که او را به تیسپون فراخواند.

موبد تنسر شماری از موبدان و دستوران دانشمند را به همکاری فراخواند و برخی از آنها را به شکل گروهی به سه سرزمین خراسان^{۳۵} و تهرستان و هگماتانه فرستاد تا از آوستاهای باقی‌مانده زمان‌های هخامنشیان و اشکانیان گردآوری نمایند و خودبر کار آنها نظارت کرد. این گام فرهنگی دینی چهار سال به درازا کشید، ولی بخش‌هایی از آوستاهای گم شده جمع‌آوری گردید و در کتابخانه تیسپون نگه‌داری شد. بعدها موبد کرتیر^{۳۶} و دستور ماراسپند^{۳۷} از آنها بهره گرفتند که به دستمایه گنجینه ۲۱ نسک آوستا در زمان شاپور دوم ساسانی منجر شد.

کتابخانه آذر فرنیغ در کاریان پارس

اردشیر بابکان در شهر کلریان پارس آتشکده بزرگی بنا نهاد که بعدها ویژه موبدان و دستوران و هیربدان زمان ساسانیان شد. او در زمانی که به فرمانروایی کل پارس رسید، دستور داد تا کتابخانه‌ای در آنجا دایر گردد. این کتابخانه نخست از شهرهای دور و نزدیک کتاب و نسک و نوشته طلب کرد و دیری نپایید که به چندین هزار جلد کتاب دینی و غیره مجهز شد و گنجینه‌ای برای آموزش در جنوب ایران فراهم آمد.

این کتابخانه‌ها بعدها وسعت یافت و تا زمان یزدگرد سوم دایر بود و با کتابخانه‌های مشهور تیسپون و گندی شاپور همکاری فرهنگی و علمی داشت، ولی افسوس که پس از حضور تازیان این یادمان‌های با ارزش فرهنگی نابود شدند و این گنج‌های گران‌بهای تاریخی معدوم گردیدند.^{۳۸} گام‌های دینی اردشیر بابکان، چه در زمانی که فرمانروای پارس بود و چه در زمان شاهنشاهی بر سرزمین پهناور ایران زمین، یک نهضت فرهنگی علمی آموزش را به همراه داشت و تا جایی پیش رفت که در پایان سلطنت او دهها آموزشگاه، کتابخانه و مدارس علمی در سرزمین‌های پارس، خوزستان، ری، خراسان، تهرستان و هگماتانه و برخی دیگر از استان‌های ایران به وجود آمد.^{۳۹}



۱ کهن‌ترین متون بهداشتی در ایران باستان به زبان اوستایی و هجای‌زند
ماخذ: کتاب یکتاشناسی تألیف سرگرد مراد اورنگ (برداشت از اوستای کهن
در کتابخانه کونپناک)

و آن را شاپورگان نام نهاد^{۴۸} و در روزتاج‌گذاری شاپور به او پیشکش کرد. شاپور نخست با مانی به مهربانی رفتار می‌کرد، ولی بعد، زیر فشار موبدان او را از ایران تبعید نمود، مانی پس از درگذشت شاپور (۲۷۲ م.) دوباره به ایران بازگشت و از جانشین شاپور: هرمز اول (۲۷۲ م.) مجوز دین خود را دریافت کرد. آنگاه به میان‌رودان رفت و در اندک مدت بین عیسویان و زردشتیان پیروانی یافت. در بازگشت به تیسفون، در زمان بهرام اول (۲۷۵-۲۷۲ م.) وی زندانی و شکنجه شد و سپس در (۲۷۷ م.) به قتل رسید.^{۴۹} فلسفه مانی با علم نوین فیزیک برابری می‌کند. حرکت جوهری و سپس فیزیک کوانتوم و نظریه نسبیت از مضمون‌های فلسفه مانی می‌باشند.^{۵۰}

دین اسلام تأثیر بسیار زیادی از مکتب مانی گرفته است و تقریباً بیش از ۴۰۰ فرقه از ۷۶۳ فرقه کنونی دین اسلام از مانویان تأثیر پذیرفته‌اند.^{۵۱}

مانی علاوه بر ارائه فلسفه دینی، منجم، پزشک زمان و نقاش هم بود. به همین دلیل در اواسط فرمانروایی شاپور، زمان کوتاهی در گام‌های فرهنگی با او هم صدا بود، به ویژه برای گسترش علوم پزشکی، نجوم و ریاضی در گندی شاپور فعالیت کرد و به همین دلیل مورد توجه شاپور قرار گرفت.

جهش همه جانبه در زمان شاپور یکم ساسانی:

کلید برپایی سازمان‌های فرهنگی، علمی و آموزشی

بنابر ده‌ها مأخذ فارسی و غیرفارسی، در زمان شاپور یکم جهش‌های همه جانبه سیاسی، نظامی، اجتماعی، فرهنگی و هنری در ایران به وقوع پیوست که همه آنها در خور بررسی فراوان است.

با آگاهی‌های وسیع دینی و نفوذ روحانیت در شمال ایران، مورد توجه شاپور قرار گرفت و پس از ورود به پایتخت، او را گرامی داشت و به سمت بزرگ موبد موبدان سراسری ایران منصوب کرد. از کتیر کتیبه‌ای در نقش رستم به جا مانده است که خود را بزرگ موبد داد می‌داند و کعبه زردشت کنونی را بن خانه، به معنی مخزن آرشو ساسانی، نام می‌برد.

موبد کتیر با گام‌های فرهنگی شاپور در تیسفون و گندی شاپور هم صدا شد. او بود که در برپایی آموزشگاه آکادمیک دینی ویژه شناسایی هر چه پیش‌تر فلسفه دین زردشتی در بیرون شهر گندی شاپور اقدام کرد.^{۴۲} کتیر با اختیارات وسیعی که از شاپور دریافت کرد، موبدانی را به سراسر ایران گسیل داشت و در کم‌تر از دو سال هزاران کتاب و دست‌نویس و سنگ نبشته را به تیسفون منتقل نمود. او بود که در گسترش علم دینی در شهر گندی شاپور با رومیان همکاری کرد و دین زردشتی را به آنان شناساند. کتیر برای نخستین بار کتابخانه بزرگی را بنا بنهاد که در حقیقت پایه اصلی جنبش‌های فرهنگی بعدی در گندی شاپور شد.^{۴۳}

کتیر علاوه بر اینها، گروهی از موبدان را با درم و هدیه روانه میان‌رودان کرد و آنها را به سوریه و اورشلیم و یونان (مستعمرات ایران) فرستاد تا آنچه از بقایای کتاب‌های علمی قدیم ایران بیابند، به ایران بازگردانند و جداگانه کتاب‌های علمی سوریانی و عبری و یونانی را گردآوری کرده و با خود به ایران بیاورند. ضمناً به برخی از همین موبدان اختیار داد تا با برخی از دانشمندان سوری، یهودی و مسیحی مصاحبه نموده و آنها را به کوچ به گندی شاپور تشویق کنند. دیری نیامید که در گندی شاپور شماری از دانشمندان و پزشکان و فلاسفه گرد آمدند و گندی شاپور تبدیل به یک مرکز علمی گردید. کتیر بسیاری از کتب یونانی و سوریانی را به پهلوی ترجمه کرد و در کتابخانه تیسفون گرد آورد.^{۴۴}

مکتب زروان (زروانیسم): در برخی از ادبیات اوستایی و پهلوی به‌واژه زروان برمی‌خوریم که همیشه با واژه اکرنه (بی‌کران) همراه است.

در بخش سروش واژه از دفتر خرده اوستا چنین آمده است:
«زروانه اکرنه، زروانه درغو خداتمه...»^{۴۵}

و یا در نسک‌های ادبی مینو خرد، زروانیسم یا زروانه به شکل «زروان درنگ خدای» آمده و حتی رساله برخی از مورخان اسلامی زروان به درنگ خدای تغییر داده شده است.^{۴۶}

در دوره هخامنشیان و هم چنین در آیین مهرپرستی، زروانیسم جایی مهم داشت و در دوره ساسانیان این مکتب به رشد قابل ملاحظه‌ای رسید و پیروانی در مراکز ایران را به خود جلب کرد.

در حقیقت زروانیسم همان فرهنگ آیین زردشت بود، ولی خدای زروان غیر از آهورامزدا مورد پذیرش آن بود. اسطوره‌های چندی از زروانیسم از دوران ساسانیان وجود دارد.^{۴۷}

مکتب مانی: بنیان‌گذار این مکتب، مانی یا مانس پسر فاتک (۲۷۶-۲۱۶ م.)، در ۲۴ سالگی رسالت خویش را آغاز نمود و آیین خود را که مجموعه‌ای از فرهنگ دین‌های زردشتی، عیسوی، یهودی و بودایی بود، به جهانیان معرفی کرد. مانی به وسیله برادر شاپور یکم (فیروز) به شاپور معرفی شد. مانی از طرح آزادی دین‌ها در زمان شاپور یکم بهره گرفت و شاپور نیز به او حرمت نهاد. دیری نگذشت که مانی کتابی فلسفی نوشت

جایگاه تمدن بوده است، برخی از رده روحانیون از دانش پزشکی اطلاعاتی بیش‌تر از گذشتگان داشتند. برخی از تیره‌های آریایی مردم سومر، که خود را مردم کله سیاه می‌نامیدند^{۴۴} بین ۳۵۰۰ تا ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد، به تدریج به بستر رودخانه‌های دجله و فرات کوچ کردند و با مردم قلیل بومی و شماری از مرد آکدی مخلوط شده و از آگاهی‌های پزشکی و درمانی آن‌ها بهره برده و مجموعاً در درمان بیماری‌ها، پیشرفته‌تر از گذشتگان خود شدند. قدیمی‌ترین سند خطی به خط میخی بابلی آریایی، روی خشت‌های سفالی دراورو^{۴۵} در میان‌رودان طی کاوش‌های پس از جنگ جهانی اول کشف شد. در این اسناد، بحث از پزشکی و درمان‌شناسی، به‌ویژه درمان با ریشه و ساقه و برگ گیاهان است، که احتمالاً مربوط به ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد است، کاوش‌های بعدی نشان داد که با ورود سومری‌های آریایی به منطقه میان‌رودان و پس از آن در ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد، پزشکی نسبتاً پیشرفته‌تر از گذشته در بستر رودخانه‌های این سرزمین به وجود آمده است. در نیمه دوم سده هجدهم هجری لوحه‌های بی‌شمار منقوش به خطوط میخی ایرانی، در خاک‌های مجاور بستر برخی از رودخانه‌های فرعی در بین‌النهرین به دست آمده که یکی از آنها حاوی مطالب مهمی از پزشکی است. یکی از این لوحه‌ها هم‌اکنون در موزه بریتانیاست ولیکن مدت‌ها کسی موفق به خواندن آن نشد تا اینکه در سال ۱۹۵۳م. پروفیسور سوموئل نواه کرامر از دانشگاه پنسیلوانیا رمزخواندن آن را یافت و آنچه از تاریخ طب کهن بود، تا اندازه‌ای روشن شد. از متن این لوحه چنین برمی‌آید که در میان‌رودان تا ۲۱۰۰ سال پیش از میلاد، دستورات پزشکی بر روی سفال‌ها به صورت دفترهای کوچک حک شده است. بدون تردید کشف این سند، قدیمی‌ترین سند طبی جهان است.^{۴۶} ضمناً در کشف لوحه‌های سفالی بعدی که متعلق به ۱۸۰۰ سال پیش از میلاد است،^{۴۷} مطالبی مربوط به سحر و جادو و پرستش شیاطین دیده می‌شود که در بین مردم باقی‌مانده دوران سنگی، نه فقط در میان‌رودان، بلکه در تمام جهان دیده شده است. هم‌چنین در کشفیات بعدی در بستر همین رودخانه‌ها مهره‌های گرد سفالی حاوی نسخه‌های پزشکی و درمان یافت شده که تبرک داشته و مردم به دور مچ دست می‌بستند که برخی از این دستورات مربوط به قوانین آریایی حمورابی بوده است. قوانین پزشکی حمورابی به خط میخی بابلی آریایی بر روی قطعه‌ای از سنگ سیاه فلدسپات به طول ۲/۵ متر حک شده است که در اوایل سده نوزدهم هجری در شوش کشف شد و اینک در موزه لوور نگهداری می‌شود.^{۴۸}

جالب‌تر اینکه در این مجموعه، تعرفهٔ نه ماده‌ای نرخ کار پزشکی و غرامت اشتباهات پزشک به چشم می‌خورد. نرخ اعمال پزشکی برای ثروتمندان ده شیکل (HEKEL) (نقره هر شیکل ۱۶ گرم) و برای مردم پنج شیکل نقره بود.^{۴۹}

در این زمان پزشکان از رده روحانیون بودند، ولی می‌بایست دوره‌ای را طی می‌کردند و نیز اگر در کار پزشکی اهمال می‌شد، بازخواست می‌شدند. برابر کاوش‌های گوناگون در بین پزشکان میان‌رودان رده چشم پزشکان، با سوزن‌های برنزی آب مروراید را عمل می‌کردند و اگر عمل به کوری می‌انجامید، دست آن پزشک قطع می‌شد.^{۵۰}

در گستره ایران بزرگ، پزشکی به اوج خود رسیده بود. نمونه

در مجمل التواریخ و القصص آمده است: شاپور همتی به سزاداشت. اندرز داد و انصاف و آبادانی عالم برسان پدر، او نیز به مملکت‌داری پرداخت. شهرهای بسیار ساخت؛ چون بیشاپور (شهرشاپور)، نیشاپور (در خراسان)، جندی شاپور و ...

در اخبار الحکما (از قفلی ۵۶۳-۴۶۶ ه.) آمده است: سبب ترقی جندی شاپور آن است که شاپور پس از فتح انطاکیه، و به‌زنی گرفتن دختر قیصر روم، شهری ساخت به نام جندی شاپور.^{۵۱}

در تاریخ التمدن الاسلامی جرج زیدان مسیحی آمده است: شاپور توجه فراوانی به علم داشت و فرمان داد تا کتاب‌های فلسفی، نجوم و پزشکی از زبان‌های یونانی، سریانی و عبری به زبان پهلوی ترجمه و در مجاری کتب جندی‌شاپور حفظ گردند تا مورد اخذ و اقتباس مردم و اهل علم قرار گیرد. در کتاب دانش‌های یونانی در شاهنشاهی ساسانی، از دکتر ذبیح‌اله صفا، به نقل از الفهرست ابن ندیم، آمده است: در زمان شاپور، موبدان و هیبردان به نگارش کتب طب، فلسفه، حکمت و نجوم پرداختند. در آن زمان دو نوع خط وجود داشت، یکی به نام خط گشته یا گشتک (gštak) (گشتک دبیره)، و دیگری به نام راس سهریه، ولی بیش‌ترین نسک‌ها در این زمان به خط گشتک بود.^{۵۲}

در کتاب ایران در زمان ساسانیان از کریستنسن آمده است: شاپوریکم ساسانی به تدبیر در سیاست و بر پیروزی در جنگ‌ها و سازندگی و آبادانی در ایران و نیز بر توسعه علم و دانش، به ویژه طب و فلسفه یکی از شاهان بزرگ تاریخ ایران است.

دست‌نویس شاپور سوم ساسانی (پورشاپور دوم ساسانی)

نوشته از شاپور سوم ساسانی (۳۸۸-۳۸۲ م.)

(برداشت از کتاب کارنامک من (شاپور اورمزد)، اثر: فریدون مجلسی). «این یادداشت را من: شاپور شاپور، شاهنشاه ایران زمین و کوشان و انیران، برکارنامک پدرم شاپور ادورمزد (شاپور دوم) می‌افزایم: پدرم در نیمروز ۲۶ مرداد، هفتادمین سال شاهنشاهی‌اش (۳۷۹ م.) به هنگام نوشتن کارنامک خود، ناگهان به آرامی درگذشت. او را در حالی که هنوز قلم در دست داشت، و سرش بر صفحه کاغذ افتاده بود، مرده یافتند. نقش لبخندی بر لبان‌اش دیده می‌شد.

او به آخرین آرزوهایش رسیده بود... به خواسته پدرم این کارنامک را در هفت لافاه و صندوق می‌گذارم و بر آن می‌نویسم و مهر می‌زنم که تا هزار سال ناگشوده بماند و آن را در زیر زمین کتابخانه تیسپون در کنجی ایمن می‌نهم تا کی گشوده شود و سرنوشت‌اش چه باشد؟»

«مهر و امضای شاپور ساسانی، تیسپون ۸۰۴ اشکانی، برابر با ۳۸۴ میلادی.»

بیشتر تاریخ‌نگاران و نویسندگان صدراسلام از شاپور دوم به نیکی یاد کرده‌اند، همچون: دینوری (۲۱۲ - ۲۷۶ ه.)، حمزه اصفهانی (۲۷۰ - ۳۵۰ ه.): گردیزی (پایان سده سوم هجری)، تعالی (سده چهارم هجری)، ابن اثیر (۶۳۰-۵۵۵ ه.) و ...

قدیمی‌ترین کتاب طبی جهان در میان‌رودان ایران

در بین همه سرزمین‌های جهان، منطقه میان‌رودان که یکی از نخستین



فرهنگی، پزشکی، فلسفی و نجوم از خود داشتند و یا یافتند، همه را در اختیار اردشیر و مأمورین دولت قرار دادند و دیری نپایید که در سرزمین پارس چندین کتابخانه و از آن جمله کتابخانه مشهور آتشکده آذر فرنیخ (کلریان پارس) پر از کتاب گشت. می‌گویند موبد موبدان زمان تنسر برنامه‌ریز اصلی نگهداری کتاب‌ها شد سپس در زمان شاپور یکم ساسانی موبد کرتیر^{۶۷} و بعد در زمان شاپور دوم ساسانی موبد ماراسپند^{۶۸} به جمع‌آوری آوستا و کتاب‌های فرهنگ ملل دیگر پرداختند. گام بزرگ زمان شاپور دوم نوشتن ۲۱ نسک آوستاست که شامل یک میلیون آیه بوده است. در این دوره سفیرانی به یونان و روم و هند فرستاده شد تا آنچه از فرهنگ، ادب، کتاب، رساله و آثار ایرانی بیابند، به ایران حمل کنند. این سفیران در سرزمین‌های بیگانه نه فقط به جمع‌آوری مآخذ ایرانی پرداختند، بلکه کتاب‌های یونانی، مصری، ارمنی، یهودی، هندی و چینی در دسترس را آماده و به ایران فرستادند؛ و به یک روایت در زمان شاپور دوم کتابخانه بزرگی در گندی‌شاپور به وجود آمد. به روایتی دیگر این کتابخانه در زمان انوشیروان عادل تأسیس شد که می‌گویند نزدیک به ۴۰۰ هزار کتاب در آن وجود داشته است.^{۶۹} هم‌چنین در تیسفون در بنای ایوان کسری کتابخانه‌ای بود به نام کتابخانه شاهی که دارای صدها هزار جلد کتاب بود. علاوه بر اینها در دیگر شهرهای علمی مداین چون سلوکیه و ویه اردشیر و رومگان ... کتابخانه‌های معتبری وجود داشت. آن چه قطعی است اینکه در زمان انوشیروان عادل، تلاش فراوانی برای دریافت و ترجمه کتاب‌های سوربانی، قبطی، عبری، هندی و یونانی به عمل آمد و دانشمندان و مترجمان ویژه برای این‌گام عظیم فرهنگی وارد عمل شدند که کارشان فقط ترجمه و تهیه کتاب بود. روی هم رفته، در پایان دوره ساسانی گنجینه عظیمی از کتاب و ذخایر علمی در گندی‌شاپور و دیگر شهرهای ایران شهر وجود داشت که در جهان نمونه بود.

آن‌جمعه‌ای است که چند سال پیش در شهر سوخته زابل یافت شد و در ۲۸۰۰ سال (پیش از میلاد) عملی جراحی روی آن کاسه سر، انجام گرفته شده بود.^{۶۱}

برپایی مدارس و کتابخانه‌های دینی در سراسر ایران باستان تحولات و تغییراتی که انوشیروان دادگر در ده سال نخست سلطنت خود در ایران پیاده کرد، در جهت منافع اکثریت مردم ایران بود. گو این که برنامه‌های اجتماعی دینی او، از منافع رده موبدان تا اندازه‌ای کاست، ولی برای خشنودی این رده امتیازاتی در نظر گرفت. نخست اینکه دریافت مالیات از موبدان با ضوابط معینی محدودتر از گذشته شد^{۶۲} و برای صدها هیرید و هزاران موبد در آتشکده‌ها مقرری بیش‌تر از گذشته تعیین گردید. سپس رده موبدان را به فراگیری دانش دینی واداشت. آنگاه آتشکده‌ها را نه فقط جایگاه عبادت دانست، بلکه جای آموزش و پیوند موبدان قرار داد. او درصدها آتشکده ایران، مدرسه و کتابخانه ایجاد کرد و در این مدارس به موبدزادگان آموزش دینی داده می‌شد. این برنامه‌ها در سراسر ایران شهر انجام گرفت.^{۶۳}

مهم‌ترین برنامه موبد موبدان در هر استان، ایجاد مدارس و کتابخانه دینی بود تا به سطح دانش موبدان افزوده گردد و آن گروه که استعداد و امکانات بیش‌تری داشتند، به پایه علمی و فرهنگی بالاتری نایل آیند.

در ایران باستان، شماری از پزشکان و گیاه‌درمان‌ها از رده‌های موبد برمی‌خاستند، ولی در زمان انوشیروان علم و دانش موبدان در رشته‌های پزشکی ملاک بود تا بعداً بتوانند با طی دوره‌هایی به مدارج پزشکی نایل شوند. در این زمان موبدی، بدون پروانه پزشکی نمی‌توانست به امور پزشکی بپردازد و اگر چنین می‌کرد، کیفر داشت. به طور کلی در زمان انوشیروان، کلیه پزشکان می‌بایست دوره‌هایی را بگذرانند و پس از آزمایشات ضرور و ضوابط روز، پروانه پزشکی دریافت دارند.^{۶۴}

کتابخانه‌های گندی‌شاپور و تیسفون و غارت آنها

تاریخچه علم کتابت در ایران باستان به هزاران سده پیش از میلاد می‌رسد. خطوط آریایی آرنی که خود اقتباس از خط و الفبای آریایی فنیقی‌ها است، هزاران سال پیش از میلاد در بیشتر جاهای ایران وجود داشته است.^{۶۵} خطوط بابلی و میخی و زبان و خط آوستایی قدیم و پس از آنها، کتابت‌های دوران اشکانیان به زبان پهلوی اشکانی و کتاب‌های دوران ساسانیان به زبان پهلوی ساسانی و دبیره گشتک و زند و یازند بود که همگی دلیل بزرگ بر دانش علم کتابت و نوشته در سرزمین ایران بوده است.

مهرها و سکه‌ها و نقش‌های سینه‌های کوه، وجود هزارها نسک و صدها مآخذ حاکی از آن است که در زمان ساسانیان نگهداری از کتاب، یعنی هنر کتاب‌داری، در آن زمان پیشرفت زیادی داشته است.

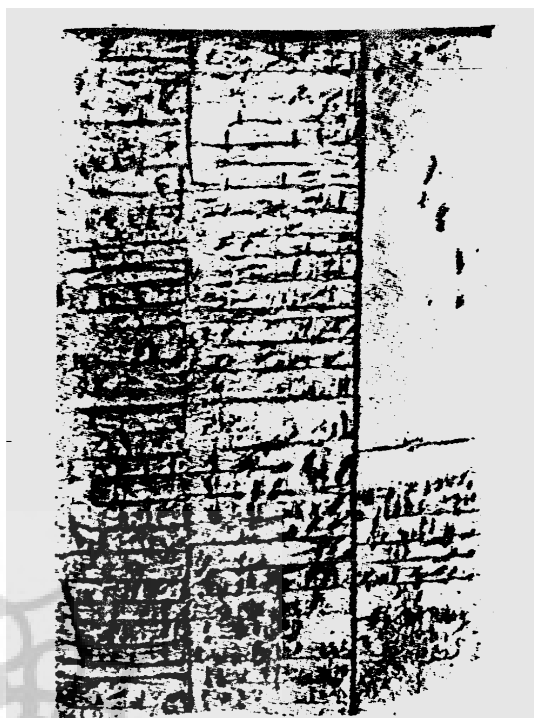
در آغاز فرمانروایی ساسانیان، اردشیر بابکان که خود از تبار موبدان بود، با یک رستاخیز دینی فرهنگی، هزاران کتاب گم شده از گذشته خود را باز یافت و روایت است که ۸۰،۰۰۰ موبد و هیرید در سراسر ایران بزرگ تجهیز شدند و هزاران کتاب یافتند و گنجینه‌های بزرگی به وجود آمد؛^{۶۶} و آنچه کتاب دینی،

چه نقل قول و چه ترجمه و پژوهش و تألیفات به زبان تازی بوده، همین امر یکی از اشتباهات برخی از مورخان است که تمدن اسلامی را به نام عرب قلمداد کرده‌اند.

می‌گویند: غارت کتابخانه گندی شاپور به وسیله سپاهیان تازی به سرداری عربی بی‌دانش به نام نعمان بن مقرن در سال بیستم هجری اتفاق افتاد و کتابخانه چند صد هزاری گندی شاپور نابود شد.^{۷۲} نیز کتابخانه تیسفون ویران گردید و به دستور عمر و به وسیله سعد بن وقاص آنچه در کتابخانه تیسفون و شهرهای مجاور موجود بود، یا غارت شد و یا به آب ریختند و در نهایت این گنج فرهنگی از بین رفت.

پانویست‌ها:

۱. تاریخ بلعمی، به کوشش محمد پروین گنابادی، تصحیح ملک‌الشعراء بهار، تهران، ۱۳۵۳، ج ۲، ص ۶۵۷.
۲. شاهنامه ثعلبی، ترجمه غدیرالملوک الفرس، ترجمه محمود هدایت، تهران، ۱۳۲۸، ص ۱۱۹.
۳. مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، ۱۳۴۶، ج ۲، ص ۲۲۴.
۴. ایران شهر، تهران، ۱۳۴۲، ج ۱، ص ۷۴۵.
۵. مروج الذهب، ج ۱، ص ۲۶۱.
۶. تاریخ خط و نوشته‌های کهن در افغانستان، پوهاند عبدالحی حبیبی، کابل، ۱۳۵۰، ص ۷۹.
۷. افغانستان در پرتو تاریخ، احمد علی کهزاد، کابل، ۱۳۴۶، ص ۲۳۵.
۸. تاریخ بلعمی، ج ۲، ص ۶۵۷.
۹. شاهنامه، ثعلبی، ص ۱۱۹.
۱۰. فارسنامه، ابن بلخی، به کوشش سرتج، کمبریج، ۱۳۳۹، ص ۴۹.
۱۱. تاریخ افغانستان، احمد علی کهزاد، ج ۱، ص ۲۵۲.
۱۲. همان، ص ۲۵۳.
۱۳. تاریخ نیشاپور، موید ثابتی، ص ۸۲.
۱۴. معجم البلدان، یاقوت حموی، بیروت، ۱۹۵۷م، ج ۴، ص ۴۱۹.
۱۵. نک: پیرامون ادب و زبان کردی باستان، رساله دکتری فاروق صفی‌زاده، تبریز: محمدی، ۲۶۹۸ (تاریخ مادی)، ص ۴-۶.
۱۶. رساله خط و تحول آن در شرق باستان، علی سامی، شیراز، ۱۳۲۹، ص ۱۳.
۱۷. تاریخ اجتماعی ایران، مرتضی راوندی، تهران، ۱۳۴۱، ج ۱، ص ۴۳.
۱۸. همان، ص ۴۴.
۱۹. دستاویز ۱۶، ص ۱۲.
۲۰. مزدیسنا و تأثیر آن در ادب پارسی، دکتر محمد معین، تهران، ۱۳۲۶، ص ۱۲۲-۱۲۳.
۲۱. تاریخ خط و نوشته‌های کهن در افغانستان، ص ۷.
۲۲. خط و تحول آن در شرق باستان، ص ۲۶-۲۷.
۲۳. تاریخ نظم و نثر در زبان فارسی، سعید نفیسی، تهران، ۱۳۴۴، ج ۱، ص ۱۰.
۲۴. تاریخ خط و نوشته‌های کهن در افغانستان، ص ۱۱۹.
۲۵. همان، ص ۲۱-۴۹.
۲۶. همان، ص ۶۸-۶۹.
۲۷. دستور زبان فارسی میانه، راستارگویا، ترجمه دکتر ولی الله شادان، تهران، ۱۳۴۷، ص ۱-۲.
۲۸. مقاله منتشره در ایران شهر، ایرج افشار، تهران، ۱۳۴۲، ج ۱، ص ۷۴۵.



۱. کهن ترین نسخه طبی بشر از مردم سومریان (ماخذ: تاریخ طب زو دهف)

پس از حضور تازیان همه این گنج‌ها بر باد رفت؛ زیرا تازیان عقیده داشتند با داشتن کتاب خدا نیازی به دیگر کتب نیست. به روایتی این دستور عجیب در فتح مصر به وسیله عمرو عاص و در فتح ایران توسط سعد وقاص انجام گرفت. می‌گویند عمرو عاص پس از تسلط بر اسکندریه از عمر بن خطاب درباره ذخایر کتب دانشگاه اسکندریه پرسش کرد و عمر در پاسخ نوشت: درباره کتبی که گفته‌ای، اگر در میان آنها مطالبی موافق فرموده کتاب خداست، که با بود کتاب از آن مستغنی هستیم و اگر مخالف کتاب خداست، احتیاجی بدان‌ها نیست. پس اقدام به سوزاندن و نابود کردن آنها بنما.^{۷۳}

و هم چنین سعد وقاص پس از فتح تیسفون از عمر بن خطاب پرسش کرد که با گنجینه‌های کتب علمی در مداین چه باید کرد؟ عمر پاسخ داد: آنها را به آب‌انداز!! چرا که اگر آنها موافق و شامل راهنمایی و هدایت می‌باشد، کتاب خدا ما را کافی و راهنما تر است و اگر مایه خلاف و گمراهی است، خدای تعالی ما را از آنها بی‌نیاز کرده است.^{۷۴}

با بررسی این حقایق که در چندین مأخذ معتبر ثبت است، در چند سال اخیر، برخی از علما و نویسندگان ناآگاه می‌گویند این گراف‌گویی مورخان مخالف تازی است و عمر چنین دستورهایی را نداده است، ولی تاریخ غیر از این می‌گوید و دقیقاً ضایعات متعصبان تازی را در این باره می‌پذیرد. ضایعات بزرگی به بشریت وارد آمد که حتی برخی از مورخان اسلامی نیز به این گمراهی‌ها اشاره کرده و آن را فاجعه فرهنگی دانسته‌اند.

اصولاً سیر علوم در تمدن اسلامی نتیجه زحمات و از خود گذشتگی‌های دانشمندان ایرانی می‌باشد و از این بابت ایرانیان، حق بزرگی به تمدن اسلامی دارند. ولی چون بسیاری از کتب و آثار ایرانیان،

- حرف عهدها و موثیق و اقطاع را می‌نوشتند و کلیه نقش شاهان و طراز جامعه و فرس و سله را بدین خط می‌نگاشتند. نویسندگان علوم طب، فلسفه، نجوم و ریاضی این خط را گشتک دفتریان می‌نامیدند.
۵۴. پنج هزار سال پزشکی، ترجمه دکتر آگاه، ۱۹۷۲ م.، ص ۹.
۵۵. فرهنگ معین، ج ۵، ص ۱۹۶.
۵۶. پنج هزار سال پزشکی، ص ۱۱.
۵۷. همان، ص ۲۰۱۱.
۵۸. همان.
۵۹. همان.
۶۰. همان.
۶۱. روزنامه اطلاعات بین‌المللی، ۱۵ دی‌ماه ۱۳۷۷، در این روزنامه نوشته شده: «مطالعات و تحقیقات علمی پزشکی روی جمجمه کشف شده در شهر سوخته واقع در شهر زابل، بیان‌گر انجام اولین جراحی مغز در ایران در ۴۸۰۰ سال پیش است. مطالعات علمی صورت گرفته روی این جمجمه دختر ۱۳-۱۴ ساله در یک گور دسته‌جمعی، بیان‌گر این نکته است که دختر مذکور دچار بیماری هیدروسفالی بوده و پزشکان برای رفع فشار داخل جمجمه با انجام عمل جراحی در برداشتن بخشی از استخوان پارتیال راست روی سر، به مدت محدودی درمان کرده و بیمار مذکور حداقل شش‌ماه پس از عمل جراحی در قید حیات بوده است.»
۶۲. تاریخ تمدن اسلامی، ج ۳، ص ۱۳۱.
۶۳. برابر دست‌نویس‌های موبد موبدان معاصر زردشتیان ایران زنده‌یاد رستم شهزادی، کلیه موبدزادگان برای دریافت پایه موبدی، می‌بایست دوره‌های آموزشی را در آتشکده‌های تعیین شده انجام داده و پس از آزمایش‌های ویژه دینی، طی مراسمی به پایه موبدی مفتخر گردند.
۶۴. مجموعه مقالات خاورشناسی، دانشگاه تهران.
۶۵. تاریخ ده هزار ساله ایران، ص ۶۰۸.
۶۶. تاریخ پزشکی ایران، دکتر سیریل الگود، ترجمه باقر فرقانی، ص ۵۶.
۶۷. ایران در زمان ساسانیان، ص ۲۹۳ آمده که: در زمان شاپور یکم ساسانی، علاوه بر جمع‌آوری آوستا که موبد کرتیر مأمور آن بود، شاپوردستور داد تا چند موبد دانشمند و نویسنده، در ناحیه‌ای از شوش‌گدهم آیند و درباره علم پزشکی، فلسفه، نجوم و ریاضی در ایران گذشته مطالعه نمایند که ده‌ها جلد کتاب نوشته شد. کتابت این نوشتارها، به خط و هجای گشتک بود که بعداً به کتابخانه گندی‌شاپور منتقل شد و نیز این روایت در کتاب تاریخ پزشکی ایران از دکتر الگود در ص ۵۸ تأیید شده و آن ناحیه در شوش را مکانی به نام ری‌شهر ذکر کرده و می‌افزاید که بیشترین مطالعه موبدان در ری شهردر باره علوم پزشکی (علم کالبدشناسی و کار دستگاه درون بدن و علم گیاه‌شناسی و درمان‌شناسی و بهداشت بوده است) و پس از آن علوم فلسفه، حکمت، علوم طبیعی و نجوم و در پایان علم ریاضی و ارقام بوده است.
۶۸. تاریخ پزشکی ایران، ص ۲۲، به دستور شاپور دوم موبد مارسپندان با کمک موبدان دانشمند دیگر شهرهای ایران ۲۱ نسک آوستا را در یک میلیون واژه نوشته‌اند.
۶۹. مجله‌های برزویه و هوخت.
۷۰. کتب تاریخی از تاریخ نگاران صدر اسلام و تاریخ طب در ایران، دکتر محمود نجم‌آبادی، چاپ اول، ج ۱، ص ۱۲۰.
۷۱. تاریخ طب در ایران، ص ۱۲۰. دستور عمرو بن خطاب در ده مآخذ تاریخی ثبت شده است، حتی مورخان صدراسلام.
۷۲. تاریخ ده هزار ساله ایران، ص ۵۹۱.
۲۹. عروج الذهب، ج ۱، ص ۳۶۱.
۳۰. ایران از آغاز تا اسلام، گیرشمن، ترجمه دکتر محمد معین، تهران، ۱۳۳۶، ص ۲۵.
۳۱. همان، ص ۴۶.
۳۲. جغرافیای تاریخی ایران، بارتولد، ترجمه حمزه سردادور طالب‌زاده، تهران، ۱۳۰۸، ص ۱۷.
۳۳. برخی از تاریخ‌نویسان موبد تنسر را با موبد کرتیر یکی می‌دانند، ولی این دو، اشخاص کاملاً جدا از هم هستند، موبد تنسر موبدموبدان زمان اردشیر و موبد کرتیر، موبد موبدان زمان شاپور یکم بوده‌اند. در برخی مأخذها، تنسر را اپرسام (Aqərsəm) می‌گفتند که وزیر اعظم یا بزرگ فرمذار و موبد موبدان زمان اردشیر بوده است.
۳۴. تاریخ ده هزار ساله ایران، عبدالعظیم رضایی، مجلدات ۱-۳، ص ۸۰۱.
۳۵. خراسان بزرگ شامل افغانستان کنونی و تمام سرزمین‌های خاوری دریای خزر، شامل تاجیکستان، ترکمنستان و بخشی از ازبکستان کنونی است.
۳۶. کرتیر یا کرتیر یا کرتیر بزرگ موبد (بزرگ فرمذار یا بزرگ داور) شاپور یکم ساسانی و از موبدان بزرگ سرزمین ترستان بود که شاپور او را به تیسپون فرا خواند.
۳۷. موبد موبدان زمان شاپور دوم ساسانی است.
۳۸. دایرةالمعارف آریانا، کابل، ص ۵۷.
۳۹. همان، ص ۵۹.
۴۰. دژ نبشتک در سرزمین پارس و دژ سیز در آذر آبادگان است.
۴۱. تاریخ تمدن ساسانی، علی سامی، دانشگاه تهران، ج ۱، ص ۸۸، کتاب تاریخ ایران، تألیف نیرنوری می‌نویسد: کرتیر به پنج شاه ساسانی خدمت کرد. هم‌چنین نک: تاریخ سیاسی ساسانیان، دکتر جواد مشکور، ص ۱۰۵.
۴۲. تمدن ایران ساسانی، و.گ لوکومین، برگردان عنایت الله‌رضا، ص ۸۶۱.
۴۳. دایرةالمعارف عربی پطروس بستانی، استاد مدرسه آمریکایی بیروت، ۱۸۸۳-۱۸۱۹م. و فرهنگ معین، ج ۵، ص ۲۶۸ و کتابخانه کنگره ملی آمریکا جزوه‌های دکتر پوره‌ادی.
۴۴. تاریخ تمدن اسلامی، جرجی زیدان، ج ۳، ص ۱۲۳.
۴۵. خرده آوستا، موبد آدرگسب، ص ۷.
۴۶. فرهنگ معین، ج ۵، ص ۶۵۰.
۴۷. دانشگاه گندی‌شاپور در گهواره تاریخ، دکتر مهربان شهروینی، پورشاد، تهران، ۱۳۸۱، ص ۵۳.
۴۸. پژوهش‌نامه علوم انسانی تهران، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۰-۱۱، ۱۳۷۱، تاریخ سیاسی ساسانیان، دکتر جواد مشکور، ص ۱۴: تمدن ساسانیان، علی سامی، ص ۳۰۳، ایران در زمان ساسانیان، کریستنسن، ص ۲۰۶، آثار الباقیه، ص ۲۰۷ و ۱۹۰.
۴۹. برابر چندین دستاویز، مانی را در زندان کشتند و پوستش را با کاه آکنده و به دروازه شهر گندی‌شاپور آویختند به همین دلیل برخی از مأخذها دروازه شهرگندی‌شاپور را دروازه مانی می‌گویند. نک: تاریخ طب، در ایران، دکتر نجم‌آبادی، چاپ دوم، ج ۱، ص ۳۴۵.
۵۰. از زردشت تا ملامصدرا، پروفیسور فاروق صفی‌زاده، رساله زیر چاپ.
۵۱. از کورش هخامنش تا محمد خاتمی، فاروق صفی‌زاده، گفتمان، تهران، ۱۳۷۷، ص ۲۱۱.
۵۲. اخبار الحکمه، تألیف قفطی (ابوالحسن علی بن جمال‌الدین از اهالی قفط مصر، ۵۶۳ - ۴۶۴ هـ.)، مصر، ص ۹۳.
۵۳. فرهنگ معین، ج ۵، ص ۱۷۰۵. گشتک دبیره ۲۸ حرف داشته و بدین